هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



ولسمشر د سبا شی عبدالله

ترګمی پسی رښا شی عبدالله

دور ششم - سال نهم - شمارهٔ بیست و یکم ۲۴- اسد ۱۳۸۸ -۲۳ شعبان المعظم ۱۴۳۰ 15-Augest 2009



دوصدهزار نفردر ام البلاد بلخ در حمایت از داکترعبدالله تجمع کردند
ص۵

با رأی خویش سرنوشت تان را رقم زنید
ص۳

نگرشی به شعارها و برنامه های انتخاباتی آقای کرزی
ص۲

د خپلواکی ورځ
۳ مخ

دانګلستان د لوی درستیز
څرګندونی څه معنا لری؟
۶ مخ



شـام پنجـشنبه ۲۲ اسـد، هفتـهٔ گذشـته آقـای داکترعبـدالله دریـک برنامـه گفتگـو بـامردم کـه توسـط تلویزیـون آریانـا برنامـه ریـزی وپخـش گردیـد، شـرکت کـرد و بـه سـوالات گرداننـده برنامـهٔ آقـای نـصیرفیاض وبینده ها وشنوندگان پاسخ ارائه کرد.

داکتر عبدالله در گفتگو با تلویزیون آریانا:
نظام ریاستی کنونی را که به استبداد گرایده است به نظام پارلمانی تعدیل خواهم کرد

درایـــن گفتگوآقـــای داکترعبـــدالله روی موضـــوعات مختلـــف کـــه ازســـوی شـــنوندگان وگرداننـده برنامـه مطـرح گردیـد، دیـدگاه هـای خـویش را بیـان کـرد. در ایـن گفتگـو کـه موضـوعات متنـوع مطـرح گردیـد، بحـث، امنیـت، مـذاکره بـا مخالفـان، جایگـاه مجاهـدین، تعـدیل قانون اساسی برجستگی خاصی داشت.

هفتـه نامـهٔ مجاهـد بنـا بـر اهمیـت آن فشردهٔ این گفتگو را به نشر می رساند.

یـک شـنونده درمـورد شـعار"قـدرت را بـه من بـسپارید تـا آن را بـه شـما بـازگردانم" پرسـید که داکترعبدالله چنین توضیح داد.

نظـام را ازریاسـتی بـه پارلمـانی تعـدیل خواهد کـرد ، بـه خودکـامگی کـه اکنـون دردولـت افغانـستا ن وجـود دارد وبـر اثـر آن صـلاحیت های نمایندگان ومـشارکت مـردم کـم رنـگ شـده است پایـان مـی دهـد وبـا تقویـت پارلمـان سـطح مشارکت مردم را بالا می برد.

همچنان والـی هـا، شـهردارها وولـسوال هـا را انتخابی می سازد، تـا مـردم حاکمـان خـویش را تعیین کننـد وازایـن راه بـصورت غیرمـستقیم ادارهٔ ولایـت شـهر وولـسوالی خـویش را دردسـت گیرنـد. وی افـزود اکنـون والـی هـا، ولـسوال هـا وسایر مـسئولان خـود را بـه هـیچ صـورت مـدیون مـردم نمـی داننـد ومـسئولین بـی کفایـت بـدون رضایت وخواسـت مـردم ازپـستی بـه پـست دیگـر تبدیل می شوند.

داکترعبـدالله درپاسـخ همـین سـوال کننـده کـه پرسـید آیـا هـدفش بـا گردانـدن قـدرت بـه مجاهـدین اسـت، گفـت هـدفش بازگردانیـدن قـدرت بـه مـردم افغانـستان اسـت. وی توضـیح دادکـه مجاهـدین کـه شمارشـان بـه صـد هـا هزارنفرمی رسـد. بخـشی ازمـردم افغانـستان بـوده اکثریت آن ها در وضیعت در **ادامه درص۳**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

لزوم شفافیت در انتخابات

دموکراسی در افغانستان تجربهٔ جوانیست ، برای ریشه دارشدن وتنومند گردیدن یک تجربهٔ سیاسی واجتماعی هفت سال زمان کافی نیست، این تجربهٔ جوان مانند کودکی است که آسیب ها وخطرهای فراوانی آن را تهدید می کند و نیازمند حمایت وپرورش است.

دولت افغانستان که قانونا وظیفه دارد این تجربهٔ نوپا را حمایت وتقویت کند؛ اما این وظیفهٔ خویش را تا کنون به وجه مطلوب انجام نداده است. قانون گریزی وحتی قانون ستیزی که در هفت سال گذشته توسط دولت صورت گرفته، سلامت وهستی این تجربه را در معرض نابودی گذاشته است.

کمیسیون انتخابات که به باور گروه های سیاسی و نامزدان ریاست جمهوری اعضای اصلی آن از هواداران رئیس جمهوری کرزی تشکیل یافته وتاهنوز نتواسته است بی طرفی خویش را به اثبات برساند، مرتکب تخلفات و قانون شکنی های زیادی شده است. که از این قانون شکنی ها توزیع کارتهای تقلبی است، بنابر آمار رسمی، این کمیسیون ۱۷ میلیون کارت رای دهی توزیع نموده است، اگر یک نگاه اجمالی بر شمار رای دهندگان انداخته شود، ۱۷ میلیون کارت توزیع شده، بسیار بیش از شمار رای دهندگان واقعی می باشد، چون بنابر آمار رسمی، جمعیت کشور حد اکثر ۲۷ میلیون تخمین می گردد، اگر بپذیریم که همهٔ این ۲۷ میلیون در داخل افغانستان زندگی دارند، طبق آمار، شصت در صد جمعیت کشور زیر ۱۸سال می باشد که شمار آنها بیشتر از۱۷ میلیون می شود که حق گرفتن کارت رای را ندارند. ۱۳ میلیون دیگر که افراد بالغ ومستحق گرفتن کارت رای دهی هستند، بدون شک تمام آنها کارت نگرفته اند، اگر بپذیریم که حد اکثر ۸۰ در صد آنها کارت گرفته اند، تنها باید برای حدود ۱۰ میلیون نفر کارت واقعی رای دهی توزیع شده باشد.

در صورتی که نتوانیم بگوییم که ۷ میلیون کارت باقی مانده تقلبی توزیع گردیده است، می توانیم بگوییم که سه میلیون ویا چهار میلیون ویا بیشتر از آن کارت تقلبی توزیع شده است، اگر چنانچه این کارتها جهت تقلب به نفع کاندیدای مورد حمایت حکومت توزیع شده باشد و توسط آن رأی داده شود. بدون شک نتیجهٔ انتخابات جز تقلب و کودتای انتخاباتی چیزی دیگر نمی تواند باشد.

وظیفه دولت ، جامعه جهانی و احزاب وجامعه مدنی افغانستان است که از استعمال میلیونها کارت تقلبی واشکال دیگر تقلب جلوگیری نمایند.

اگر چه خارجیان وارگان های مربوط داخلی ادعا می کنند که جلو تقلب را خواهند گرفت که مایه امید واری است اما اگر نتوانند به این کار موفق شوند و تقلب گسترده یی صورت گیرد این رخداد می تواند، ضربهٔ مهلکی بر تجربهٔ جوان دموکراسی و مشارکت سیاسی مردم، وارد نموده، مهمترین دستآورد دولت افغانستان وجامعه جهانی را با شکست روبرو سازد، نتیجهٔ دیگر تقلب در انتخابات زیر سوال رفتن مشروعیت حضور نیروهای خارجی می باشد.

نگرشی به شعارها و برنامه های انتخاباتی آقای کرزی

احمد مهدی

شعار ها و برنامه های آقای کرزی بصورت آشکاری انتقادهای است از کارنامهٔ حکومتش . حمله بر حکومت کرزی وانتقاد از کارنامه های این حکومت، سوژه اصلی تبلیغات تمام نامزدان ریاست جمهوری را تشکیل می دهد، برخی آن ها جز انتقاد از کرزی وبرشمردن ضعف ها وناکامی های حکومت وی حرفی برای گفتن ندارند.

البته شماری اندکی از نامزدان به علت آن که فاقد سواد و تجربه کافی بوده، قادر به تدوین وارائه برنامه وسیاست برای کشور نیستند، در حقیقت به آسان ترین شیوه تبلیغات روی می آورند، دلیل این رویکرد هم روشن است. چون انتقاد از عمنکرد حکومت کنونی از آن دسته واقعیت های مسلمی است که نیازی برای سرهم کردن دلایل وآمار وارقام ندارد، ادعاهایی است که همه آنرا مجبور اند بپیذیرند وهیچ کس نمی تواند آن را رد کند ویا دلایل واسناد مطالبه نماید؛ اکنون پس از گذشت دوماه مبارزات انتخاباتی بیسواد ترین کاندید هم ، یاد گرفته است که بگوید، حکومت کرزی یکی از پنج فاسد ترین حکومت های دنیاست. جنگ ونا امنی روز تا روز گسترش می یابد، ۴۰ درصد مردم افغانستان زیر فقر زندگی می کنند ، همگرایی ملی واعتماد شهروندان به حکومت از میان رفته است و ده ها حقیقت مسلم دیگر.

البته زمانی که نامزدان ریاست جمهوری از حکومت کرزی انتقاد می کنند، تا اندازهٔ زیادی یک مبارزه عادی انتخاباتی جلوه می کند، اما اگر شعارها وبرنامه های تبلیغاتی آقای کرزی، انتقاد از کارنامهء حکومت خودش را دربرداشته باشد جالب وتعجب برانگیز است.

اتفاقا چنین چیزی وجود دارد، اگر درست نگرسته شود، برنامه ها وشعارهای که از طرف آقای کرزی اعلان می شود. باصراحت انتقاد از حاکمیت خودش را در بر دارد. در این زمینه به چند شعار آقای کرزی اشاره می شود " آینده بهتر می خواهم"، " علیه فساد اداری مبارزه جدی انجام می دهم" ،"افغانستان با امن وبا ثبات می خواهم"

آینده بهتر خواستن، یعنی اعتراف به این که وضعیت کشور در جریان هفت سال گذشته ناگوار ونا مطلوب وبحرانی بود ومردم از این وضعیت ناراضی هستند. اکنون پس از گذشت هفت سال، آقای کرزی متوجه این واقعیت شده و می خواهد مردم را از حالت فلاکت بارکنونی که کسی جز خودش مسئول آن نیست ، نجات دهد وآینده بهتری را بسازد.

در هفت سال گذشته افغانستان حدود ۴۰ میلیارد دالر کمکهای خارجی بدست آورده است، کشور ما درطول تاریخ نصف این کمک ها را بدست نیاورده بود. در پنج سال حکومت مجاهدین ، تنها کمک خارجی که برای افغانستان تعهد شد، ده میلیون دالر از طرف حکومت پاکستان بود که بعدا هم آن کشور از دادن این تعهد سرباز زد. بدین اساس



حکومت مجاهدین هیچ کمک خارجی بدست نیاورد. اما وقتی بازدهی ودستآورد این پولهای گزاف مورد توجه قرار گیرد، روشن می شود که آنچه انجام یافته بسیار ناچیز است، سازمان ملل وامریکا مساعدت کنندهٔ اصلی افغانستان می گوید، مقدار مهم مساعدت های خارجی حیف ومیل شده است. اما به هرحال اکنون نیز بیش از ۴۰ درصد مردم زیر خط فقر قرار دارند وبه تعداد گرسنگان ، بیکاران وگدایان هرروز افزوده می شود. ادعاهای بلند رفتن درامد سرانه جز در میان شمار اندک ثروتمندان و مامورین عالی رتبهٔ فاسد دولت ، در میان مردم دیده نمی شود.

> **آینده بهتر خواستن، یعنی اعتراف به این که وضعیت کشور در جریان هفت سال گذشته ناگوار ونا مطلوب وبحرانی بود ومردم از این وضعیت ناراضی هستند. اکنون پس از گذشت هفت سال، آقای کرزی متوجه این واقعیت شده و می خواهد مردم را از حالت فلاکت بارکنونی که کسی جز خودش مسئول آن نیست ، نجات دهد وآینده بهتری را بسازد.**

شعار مبارزه جدی علیه فساد اداری، که از طرف تمام نامزدان عنوان می شود، شدید ترین انتقاد از حکومت کرزی است که مادهٔ اصلی مبارزات انتخاباتی دیگر نامزدان را تشکیل می دهد، در حقیقت اگر نامزدی نگوید که علیهٔ فساد لجام گسیختهٔ کنونی مبارزهٔ جدی انجام خواهد داد، دیگر هیچ حرف او برای مردم قابل پذیرش نسیت . اما آقای کرزی نیز این شعار را نکرار می کنند. سر دادن این شعار جز دشنامی برای حکومت کرزی ویا مسخره کردن مردم وافکار عامه چیزی دیگری نیست. مگر آقای کرزی در این هفت سال کجا بودند که متوجه فساد روز افزون در درون دستگاه خویش نشدند وامروز می آیند وشعار می دهند که می خواهد علیهٔ فساد مبارزه جدی انجام دهد. آقای کرزی در هفت سال گذشته یا از فساد اداری اطلاعی نداشتند ویا اینکه اطلاع داشتند اما نتوانستند ویا نخواستند که جلو فساد را بگیرند . در هر دو صورت ، یعنی بی اطلاعی ویا نتوانستن ویا نخواستن ، همهٔ مسئولیت ها متوجه آقای کرزی می شود. گزارش های معتبر بین المللی نشان می دهد که فساد در دستگاه حکومت افغانستان درطول هفت سال، بصورت سیستماتیک قوس صعودی را پیموده است. حکومت افغانستان در سال ۲۰۰۵ از نگاه شفافیت در مرتبه ۱۱۷ ام قرار داشت، در گزارش سه سال بعد ده ها مرتبه سقوط کرد و متاسفانه در میان پنج کشور دارای بیشترین میزان فساد جای گرفت، قبل از ۲۰۰۴ افغانستان دارای جایگاه دو رقمی بود. این شاخص ها نشان می دهد که فساد در حکومت افغانستان بصورت منظم سالانه از ۱۰ تا ۲۰ درصد رشد داشته است.

باوجود تشکیل چندین کمیسیون و ادارهء مبارزه با فساد، کرزی نتوانسته است جلو فساد را بگیرد ویا حتی آن را در یک نقطه متوقف سازد، اگر وی برای پنج سال آینده نیز قدرت را در دست داشته باشد، با سرعتی که اکنون فساد در حال رشد است، افغانستان در یکی دو سال آینده مانند تولید مخدرات، در جهان مقام اول را کمایی خواهد کرد. بدون شک مستحق جایزهٔ این رکورد شکنی آقای کرزی خواهد بود.

آوردن امنیت وثبات نیز از شعار های دیگر کرزی است، که بازهم حیرت انگیز می نماید. پس از سرنگونی ادارهٔ طالبان که آقای کرزی زمام امور را در دست گرفتند، هیچ ولسوالی در اختیار مخالفین مسلح نبود، اما اکنون بنابر اعتراف دولت، ده ولسوالی تحت تسلط طالبان قرار دارد وسرتاسر جنوب وشرق وقسمتهای درمرکز،غرب وشمال نیز جولانگاه شورشیان است که می توانند هرزمانی بخواهند حمله کنند وامنیت را مختل سازند.. چند روز قبل بود که برای اولین بار طالبان پس از هفت سال موفق شدند با هشت راکت بر قسمت های مهم شهر کابل حمله کنند. پل علم مرکز ولایت لوگر که فاصله چندانی با کابل ندارد، در روز روشن مورد حمله طالبان قرار گرفت وتا چندین ساعت جنگ در آنجا ادامه داشت. تلفات نیروه های خارجی در یک ماه برای نخستین بار در هفت سال گذشته، به ۷۸ نفر رسید.

با این حال اگر دوباره کرزی رئیس جمهور شود، شاید در یکی دو سال آینده گروه های مسلح مخالف ولسوالی های بیشتری را تحت کنترل در بیاورند وافغانستان بصورت کامل به دههٔ شصت وهفتاد بازگشت نماید.

از دید دیگر اگر بر شعار های آقای گرزی نگرسته شود، تداعی گر این مثل مشهور است که " من آنم که رستم بود پهلوان جهان". ادعای انجام پروژه های عمرانی مانند جاده سازی که در هفت سال گذشته انجام یافته کار هایی است که خارجیان انجام دادند وحکومت افغانستان درآن هیچ نقشی بازی نکرده است.

آقای کرزی در سفر اخیر خویش به دره کیان در ولایت بغلان که گمان کرده بود، برخلاف دیگران که به جلال آباد ویا مزار می روند او به "کیهان" رفته است، ادعا کرد که در ظرف هفت سال بیت المال را از ۲۰۰ میلیون به ۳۶۰۰ میلیون دالر

ادامه درص۶

با رأی خویش سرنوشت تان را رقم زنید

احمد فواد

وطنداران دلیر و آگاه، سربازان راه عزت و شرف این سرزمین حماسه آفرین، خواهران مدافع عفت و حیثیت سیاسی و اجتماعی که در درازای تأریخ سیاسی و اجتماعی کشور رنج های بیکران را تحمل نموده، همه می دانیم که تثبیت قهرمانی ها و به نمایش گذاشتن حماسه در تأریخ زندگی ملت ها لحظات ویژه و خاص خود را دارند.

ملت های قهرمان و حماسه ساز با تصامیم تأریخی خویش در چنین لحظاتی، خط ماندگاری و تداوم حیات خویش را در اوراق و صحیفه های زرین تأریخ مسجل نموده و تثبیت می کنند.

قیام شما در چنین لحظات خاص و ویژه و رفتن تان به پای صندوق های رای خود حرکتی است برای تغییر وضع نامطلوب حاکم کنونی و گشودن روزنهٔ نوری است در شبستان استبدادی که در جامهٔ دموکراسی، هویت ملی و افتخارات تاریخی ما را خورد و خمیر کرده است.

شناخت وقت و زمان که به گفتهٔ یکی از پیشوایان مذاهب اسلامی، چون شمشیر بران و قطع در زندگی افراد و مجموعه های انسانی است که هر آنچه در برابرش قرار گیرد آن را قطع می کند و مسیرش را ادامه می دهد.

این که ما با استفاده از شمشیر وقت چه چیزی را قطع می کنیم وبه جای آن چه نهالی را غرس می کنیم، کاری است مربوط به ما و رسالتی است بر دوش احاد ملت که از حاکمیت وضع موجود گلایه کرده و شکوه سر داده ایم. ما فرزندان زمان خود هستیم و باید زمانی را که در آن قرار داریم بشناسیم و از آن در تغییر وضع نامطلوب کنونی استفاده بریم.



قیام شما در چنین لحظات خاص و ویژه و رفتن تان به پای صندوق های رأی خود حرکتی است برای تغییر وضع نامطلوب حاکم کنونی و گشودن روزنهٔ نوری است در شبستان استبدادی که در جامهٔ دموکراسی، هویت ملی و افتخارات تأریخی ما را خورد و خمیر کرده است.

روز ۲۹ اسد ۱۳۸۸ روز تصمیم و شرکت در کارزار تعیین سرنوشت من و تو و بازکردن صفحهٔ نو در تاریخ زندگی شما ملت پامال شدهٔ استبدادهای فردی و گروهی و قاچاق مواد مخدر می باشد.

ما نباید چنان بیاندیشیم که رأی دادن حق ماست که می توانیم آن را به کار گیریم ویا از آن استفاده نبریم.

این استفاده از حق رأی دادن در فرهنگ اسلامی ما حقی است همزاد با تکلیف و مسوولیت که اگر از آن استفاده نبریم و در تغییر وضع رنجبار کنونی آن را به کار نگیریم، در دادگاه دادارجهان مورد محاسبه و بازپرس قرار خواهیم گرفت.

بدون شک اتخاذ تصمیم مناسب در زمان مناسب از ویژگی های بارز ملت دلیر و موقع شناس ما است.

شما بودید که با همین تصامیم بجا و مناسب خویش، دشمنان قسم خوردهٔ داخلی و خارجی این سرزمین را در مقاطع مختلف تأریخ این کشور زمینگیر ساخته اید.

شکست قدرت های متجاوز امپراطوری های آزمند در درازای تأریخ این کشور زادهٔ همین تصامیم به وقت تان بوده است.

حال که همهٔ ما و شما از حاکمیت وضع رنجبار کنونی به ستوه آمده و شاهد آنیم که همه داروندار ما، تأریخ و افتخارات ما زیر سوال رفته و سرمایه های مادی و معنوی این ملت در اثر سیاست های نامعقول زمامداران بیخبر به یغما و چپاول می رود، یگانه راه برون رفت از چنین وضع نامیمون، همانا رفتن به پای صندوق های رای و باز کردن روزنهٔ تغییر به روی زندگی ملتی است که قربانی هوس های جاه طلبانهٔ قوم گرایی ها و گروه گرایی ها گردیده و اقتدار ملی، هویت تاریخی و استقلال سیاسی ما را به معمنه گرفته اند.

بیایید همه رأی دهیم و روزنهٔ تغییر را به روی زندگی آگنده از رنج این ملت باوقار باز کنیم تا باشد بدینوسیله از دست و پازدن در زندگی خفه کن استبداد و ظلمت بار کنونی نجات پیدا کنیم.

رأی شما برای تغییر تنها گره کشای وضع فعلی و رفتن از این وضع نامطلوب به وضع دلخواه شما است.

تصمیم شما برای ایجاد تغییر ضامن زعامت آیندهٔ شماست در آیندهٔ این کشور.

نظام ریاستی کنونی را که به استبداد گراییده به ...

وضیعت ناگوار اقتصادی ومعیشتی قراردارند. وی توضیح دادکه مجاهدین که سالیان درازی درراه اسلام واستقلال وطن مبارزه کردند وجوانی وفرصت های زندگی خویش را قربانی دادند، بایذ به حالت فلاکت بار کنونی رها نشوند، دولت باید برنامه های برای بازگرداندن آنان به جامعه وایجاد زمینهٔ اشتغال برای آن ها روی دست داشته باشد.

داکترعبدالله درمورد منازعه کوچی ها وده نشین ها گفت، متأسفانه دولت ازاین منازعه استفاده سیاسی نموده وتلاش صادقانه برای حل آن انجام نداده است.وی توضیح داد که دولت به تحریک جانبین ودامن زدن به این بحران پرداخته است.

داکترعبدالله گفت با تهیه کردن زمین وخانه برای کوچی ها وهمچنان کمک به ده نشینان می توان این مشکل را برای همیشه حل کرد.

داکترعبدالله درمورد مذاکره باطالبان وحل سیاسی بحران درکشورگفت، تا هنوز اقداماتی که دولت درزمینه انجام داده است ناقص وسوال برانگیزبوده است. یک کمیسیونی که برنامه وشیوه کاری آن برای هیچ کس روشن نیست، تشکیل شده وکارایی نشان نداده است.

داکترعبدالله موافقت خویش را با حل سیاسی بحران اعلام کرد وگفت که همه کسانی که در برابر دولت و نیروهای خارجی می جنگند، دارای هدف ها و برنامه های واحد وتعریف شده نیستند. شماری ازجنگجویان بنا برمخالفت با مسوولان ومامورن فاسد دولتی دست به سلاح برده اند، با اصلاح اداره و مساعد شدن زمینه، امکان بازگشت این عده وجود دارد. اما کسانی که جز جنگ تن به هیچ راه حل نمی دهند متاسفانه چاره جز جنگ با آنها وجود ندارد.

وی تصریح کرد که برای مذاکره با مخالفان باید برنامه ها وهدفهای روشنی وجود داشته باشد ومردم درجریان این مذاکرات قرارگیرند وازآن حمایت کنند.

داکترعبدالله درمورد امنیت درکشورگفت، تلاش خواهد کرد تا امنیت به یک پروسه بومی وافغانی تبدیل شود وبا تقویت نیروهای مسلح افغانستان مداخله خارجیان درجنگ به حد اقل ممکن کاهش یابد واگرجنگی ضرورت باشد، باید توسط نیروهای داخلی برنامه ریزی واجرا گردد.

وی افزود، تحت کنترول درآوردن زندان های خارجیان و بازگرداندن اتباع کشورکه درزندان های خارج درحالت توقیف قراردارند، از اولویت های حکومت وی است وی افزود باید نگهداری، محاکمه ومجازات مظنونان بدست مامورین کشور صورت گیرد.

داکترعبدالله درمورد انتخابات گفت، دولت وجامعه جهانی مسوولیت دارند تا زمینه برگزاری انتخابات شفاف را مساعد سازند وی گفت دریک انتخاب شفاف نتیجه هرچه باشد مورد قبول وی خواهد بود.

د خپلواکۍ ورځ



د زمري دمیاشتي اته ویشتمه د افغانستان دخپلواکی د بیرته اخیستلو د ورځی په نوم نومول شوې ده.

باتورو افغانانو د خپلي، عقیدې، خاوری، خپلواکی، پت او عزت د ساتلو په موخه، دری ځلي د پیرنګیانو سره وسله وال ډغری وهلی او په پایله کی د هیواد سیاسی خپلواکی ترلاسه شوی.

دخپلواکی د بیا ګټلو ورځ زمونږ په معاصر تاریخ کی ډیر اهمیت لری او دخپلواکی لپاره د جهاد ځانګړتیاوی په لنډو الفاظو بیانولی شو:

۱- افغانان تل د اسلام او هیواد د عزت لپاره سر ښندنی کړی دی او بهرنی یرغلګران ماتی او تیښتی ته مجبور کړی دي.

۲- افغانان هیڅکله مالی او نظامی توان او برابـ.ـی ته ندی کتلی اونه ورته پام کړی وی. بلکی په یـ ی خدای باندی توکل او په تینګ عزم دغلیم په مقابل ـی دریدلی او په میړانه جنګیدلی دي.

۳- هغه کسان چې دجهاد او د هیواد دښمنـ.ـی بشپړتیا او دخپلی پاکی عقیدی نه د دفاع په مـور چلونوکی دریدلی، هغوی د مجاهدینو په نوم یادی شوی او غازیان او یا شهیدان ورته ویل شوی او هغه کسان چې د دښمن ترڅنګ دریدلی د وطن خرڅونکو او دپردیو دغلامانو په نوم نومول شوی دي.

۴- دخپلواکی جګړه که څه هم دجنګ دمودې، دمجاهدینو د شمیر او دجګړې دسیمې د نه پراخوالي له کبله زمونږ دستر، پرتمین او سپڅلی جهاد سره د مقایسی وړنده، خو د شلمی پیړی په پیل کی او د اولې نړیوالی جګړی له پای ته رسیدو سره سم، دنړی یو سترځواک (بریتانیی) سره په جنګ کی د افغانانو بری د اثابتوي چې افغانان د بریتانیې له برم او و نړیوالی جګړی د یو فاتح له ځواک او زور نه ندی دیریدلی او خپلواکی لپاره دجنګ په شرط، د پاچاهی له یو دعوایدار (امیرامان الله خان) سره بیعت کړی دي.

۵- که څه هم دخپلواکی په تړون کی هغه کلمی اوجملې کارول شوي او داسی مطالب هم شته چی هیڅ کله د افغان میړنی او سرلوړی ولس له شان سره نه ښایي، خوبیا هم داچی پیرنګیانو دې ته اړکړی چې زمونږ بشپړ خپلواکی ومنی، نو زمونږ په معاصر تاریخ کی د ویاړنه ډکه ورځ ده.

۶- دافغانستان دخپلواکی د نورو ولسونو د خپلواکی پیلامه وه او په آسیا اوافریقا کی یو شمیر هیوادونه د انګریزانو او نورو ښکیلاک ګرولـه منګولو څخه خلاص شول. همدارنګه د ستر اوتاریخی جهاد د بری په وروستیو پړاونوکی د شوروي له ښکیلاک نه د ډیر وهیواد د آزادی بهیر پیل شو.

د خپلواکی ورځ دي ټولو زړه ور و افغانانو ته مبارک وي.

۲۹ اسد،

روز تولد نظامی است که شعار دست اندرکارانش:

سروری در دین ما خدمتگری است

ساربان "امید" گلبانگ دلنواز "تغییر" را درگوش های خسته، رساتر می چکاند و این، گویای آنست:

کاروانی که ورود او را بی صبرانه لحظه شماری می کنند، تا پنج روز دیگر به سر منزل مقصود خواهد رسید و جهانیان رسیدن شکوهمند او را با شگفتی به نظاره خواهند نشست که به استقبال آن کوچک و بزرگ، با شور وهلهلهٔ زایدالوصف از چهار دیواری خانه های شان بیرون خواهند ریخت و هماهنگ با هم زمزمه خواهند کرد:

راه را برای رورد بر طنطنه اش هموار ترکنید و طبل پذیرایی را تند تر و پیهم تربنوازید که او قصد نشاندن "تغییر" به تختگاه مراد را دارد و در چهارسوق خویش نور مسرت بیفشاند، تا آنانی که آهنگ بر افگندن تاریکی دارند از آن بهره ور گردند و خستگان از دایرهٔ تنگ درد، به دری آیند.

***

سروری، شایستهٔ خدمتگزاران است، خدمتگزاران مسؤول و جوابده، خدمتگزاران همیشه حاضر در کنارمردم، خدمتگزاران عدالت گستر، فقرمشرب و درویش خو، ... خدمتگزارانی که دعای سبز مردم همواره بدرقهٔ راه شان است:

یارب! نگهدار این عزیزان خدمتگار، توبادکه سروران شایسته، ایشانند، سرورانی که خدمتگری فرمان دین آنهاست. آنگونه که سالها پیش از امروز متفکر بزرگ جهان اسلام علامه اقبال، با تعابیری زیبا، آنها را ر رشته سخن آراست وفرمود:

سروری، در دین ما خدمتگری است
عدل فاروقی و فقر حیدری است
در هجوم کار های ملک ودین
بادل خود یک نفس خلوت گزین
هر که یک دم در کمین خود نشست
هیچ نخچری از کمند او نرست

خدمتگارانی که همواره برخود و هوا داران شان تلقین می کنند:

در قبای خسروی درویش ری
دیده بیدار و خدا اندیش زی

و دلیل می آورند:

آن مسلمانان که میری کرده اند
درشنهشاهی فقیری کرده اند
در امارت فقر را افزوده اند
مثل سلمان در مداین بوده اند
هر که عشق مصطفی سامان اوست
بحر و بر درگوشهٔ دامان اوست

۲۹ اسد

روز عروج فساد ستیزان

در ستیغ پیروزی

عبدالحسیب

بیست و نهم اسد سال روان، روز دادن رأی برعدالت است، روز اعاده قدرت برای مردم.

روز تبارز شکوه و روز تولد افتخارات دیگر و روز برگشت سروراست.

درعین حال، روز "نه" گفتن بر تمامی مظاهر فساد. فساد گستردهٔ تیمی منسوب به حاکمیت ناکام.

روز برچیده شدن بساط ادارهٔ نا کارآمد، روز پشت پا زدن حکومت مواد مخدر، ختم نظام رشوت واختلاس و ختم دور چور وچپاول.

روز بسته شدن کتاب ضخیم آلام، انتهای وعده های دروغین...

روز توقف چرخ بی اعتمادی، خویش خوری و مافیا گرایی....!

آری! برای بیست و نهم اسد، پنج روز دیگر باقیست. روزی که اوراق سیاه یک دور ورق می خورد و مردم درد کشیده کشور، جهانیان را به تعجب وا می دارند که چگونه به پا می خیزند، چگونه شور و ولوله راه می اندازند؟ چگونه با رأی خویش تغییر پدید آورند؟ وچگونه به قله افتخارات، عروج می کنند. ودر نبرد با فساد آوران و در ستیز با مصیبت گستران و درجنگ با برتری خواهان و... پیروز بدر می آیند.

آن روز همه جا آگنده از هیجان خواهد بود، فضای آسمان کشور انباشته از شور و سرور خواهد شد، اندوده از احساسات گرم عدالت جویی، فریاد آرام وطنخواهی، مردم دوستی.

روزی که انتظار پایان می پذیرد، رفاه دیده بر می کشاید و بهار آرزو به شگفتن می آغازد و بر روی طومار طویل نا برابری و تبعیض، خط بطلان کشیده می شود و مردم برای استقبال از این روز- که سرآغاز تغییر بزرگ است و تحقق امید میلیون ها اسنان مظلوم...

روزی که روشنی با تاریکی به مقابله می پردازند وظلمت که در برابر تهاجم روشنی تاب پائیدن را ندارد، به شکست مواجه می گردد.

آری! آن روز، روز گشوده شدن دریچه امید و نجات است که جلوه طلوع را از آنجا شاهد خواهیم بود، و تماشا خواهیم کرد که میلیون ها انسان درد کشیده با عزم راستین و اراده پولادین و نیت خالصانه و تصمیم خلل ناپذیر شان بر لشکر خسته و ناتوان ظلمت خواهند تاخت و آن را از پا در خواهند آورد. ظلمت یا تاریکی یی که از هشت سال به این سو واکنش آفریده وجو حاکم برای نارضیان یعنی اکثریت برای مردم اراده آفریده، عزمی قومی ارزانی داشته تا کمر همت برای آوردن تغییر سخت بر بندند و برای انتشار عطر خورسندی و افشاندن دامن دامن گل از باغ سعادت، همت گمارند.

آری! آن روز یقنیا روز سرنوشت سازیست. روزی است که مردم وجبیه دینی و ملی خود می داند تا یکسره از خانه ها بیرون آیند و با دستان قهرمان تغییر گرد و غبار یاس را از سرو روی سرنوشت میلیون ها انسان خسته دراین غمسرا، انسان دردمند و مظلوم و انسان دادخواه می روبند و می تکانند. از همین روست که ۲۹ اسد صفحه دیگری از جشن بزرگ ملی ماست، روزی است که ملت ما بار دیگر به جهانیان خواهند فهماند: مردم درک این را دارند که هر نظام ناکام و مملو از درد و آلام را تغییر دهند، شرایطی که به زور برای مردم تحمیل می شود، خسته اند ومی خواهند و غبار این خستگی را با رأی "نه" بر چنین نظام و دست اندرکاران بروبند زیرا آنان بدین باروند به چنین وضعیت و ادامه چنین نا به سامانی های به مفهوم مهر تایید نهادن بر صفحه تارکی و ذلت و رسوایی و موازی با پایمال شدن غرور و سربلندی و نادیده گرفتن ارزش ها، همنوایی با داعیهٔ زیر پا شدن حیثیت و به مسلخ کشانیده شدن عدالت و برده شدن شرافت و سربلندی به کورهٔ اعدام است.

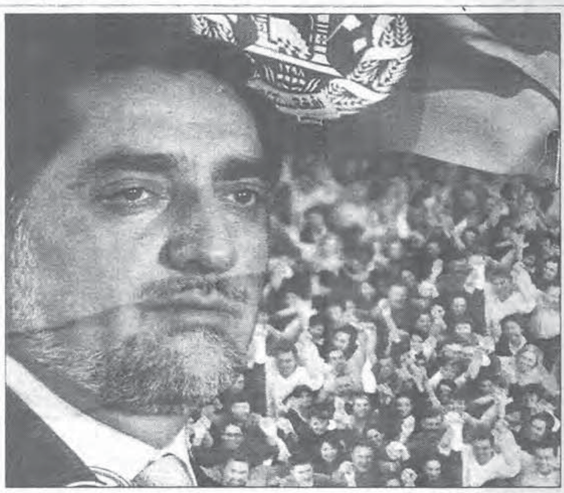
لذا مردم همه دیده به راه پایان دوره یی هستند که مظهر کامل وعامل چنان بدبختی ها می باشد. در روز ۲۹ اسدخواسته ها تحقق می پذیرد و کتاب سرنوشت به نفع احاد ملت دردکش وخسته رقم می خورد و خورشید امید دراین دیارجلوه می آراید.

نامهٔ وارده

داکتر عبدالله "عبدالله"

ستاره ایست که هرروز می درخشد

فرستنده: سید عماد الدین از ولایت تخار



دولت از نیروی ملت شد پدید
وای از آن دولت که ملت را ندید

بنده نه به حیث داور، بلکه به حیث سپاهی جبهه، فرهنگ و تاریخ مبارزات انتخاباتی کاندیدان ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان را به چشم واقعیت بین نگریستم و در میان قضاوت های مردم ما، چه مرد و زن و پیرو جوان ولایت تخار قرار گرفت ستارهٔ دورهٔ جهاد افغانستان جناب داکتر صاحب عبدالله "عبدالله" می باشد.

داکتر عبدالله "عبدالله" کسی است که امروز قلب مرد و زن ولایت تخار را با دعا های زنان، باز ماندگان شهدا، معلولین و فقیران و لشکریان غیبی مجاهدین افغانستان را با خود دارد. داکتر عبدالله "عبدالله" چون ستارهٔ درخشان است که هر روز درافق تابناک افغانستان روشنائی خود را بیشتر ساخته و چون نور در عمق درد ها و در میان کوه پایه ها و در قلب فرد، فرد ملت مسلمان و مجاهد افغانستان نفوذ کرده است. و مورد حمایت اقوام مختلف افغانستان چه هزاره، تاجیک، پشتون، بلوچ، ترکمن، پشهٔ، نورستانی و اهل هنود قرار گرفته و ملت هایشتان را حلقهٔ دار کاروان صلح مردم افغانستان، منطقه و جهان میداند.

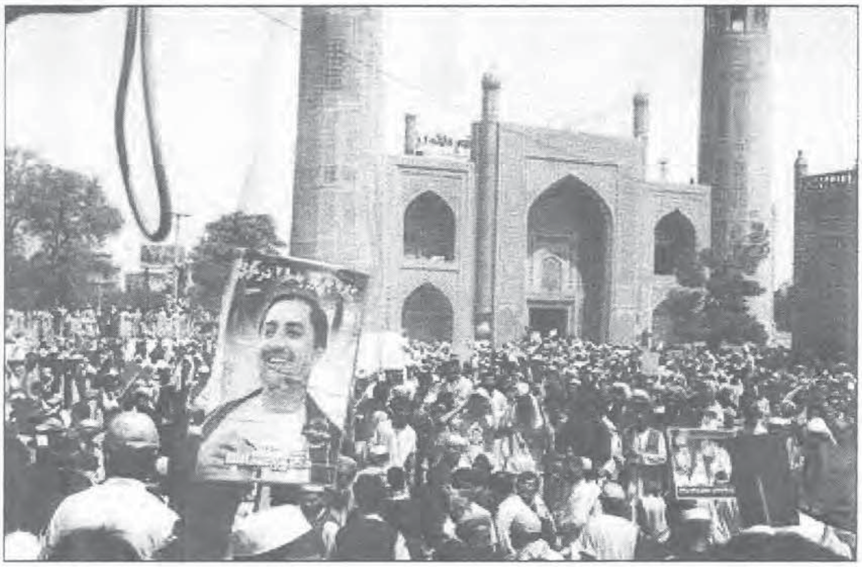
گر گلابی بر سروجیبت زنند
ور تو چون بوی رونت افگنند.

آری کسانیکه در پیکار های انتخاباتی خود را نا موفق احساس می کنند و یک حزب، یک قوم و یک گروه را ابزار قرار می دهند و از طریق تبلیغات می خواهند خود را در میان این ملت دو باره احیا نمایند.

بنابراین در حال حاضر هر خامهٔ بدست ما بویژه پژوهشگران کشور ما با احساس درد ها و رنج های ملت شان در کنار داکتر عبدالله "عبدالله" قرار گرفته و با مبارزات فرهنگی و حقیقت گوهی خویش که خاصهٔ انسان های پاک طنیت می باشد خواسته های ملت مجاهدین ملسمان افغانستان را انعکاس داده و جناب داکتر عبدالله "عبدالله" را شایسته ترین شخصیت در ریاست جمهوری آیندهٔ افغانستان قلمداد کردند.

داکتر عبدالله "عبدالله" در محراق توجه مردم افغانستان قرار گرفته و در میان خوانواده ها جای گرفته است. داکتر عبدالله "عبدالله" به عنوان تاریخ زندهٔ زمان تجاوز روس و مقامات خود در سنگر جهاد قرار داشته و منحیث یک دیپلومات قوی در کنفرانس های بین المللی و در اجتماعات سیاسی حضور داشته اند و او توانسته است نکات پنهان و نقاط مبهم تاریخ مهین خویش را باز تاب دهد. از همین جاست که جایگاه خاصی را در قلب ملت افغانستان برای خود تخصیص داده است.

ما باور داریم که هیچ کس از طریق زور، زر و تزویر نمیتوانند بر گردهٔ مردم حکومت کنند. نا گفته نماند که هزاران تن از مجاهدین مسلمان افغانستان که از کار کنار زده شدند و در دنیای فقر و بیکاری زندگی می نمایند این وقت طلائی را از دست نداده هر کدام شان برای فرهیخته مرد کشور جناب داکتر صاحب عبدالله "عبدالله"کمپاین کنند.



دوصد هزار نفر در ام البلاد بلخ در حمایت از داکتر عبدالله تجمع کردند

رستاخیز ام البلاد در حمایت از داکترعبدالله

داکتر عبدالله در ادامهٔ مبارزات انتخاباتی اش روز پنجشنبه هفته گذشته به ولایت بلخ رفت و با استقبال بی نظیر شهروندان آن ولایت مواجه شد.

هزاران تن از هواداران داکتر عبدالله با تجمع در صحن روضهٔ مبارک درشهر مزارشریف، از ورود وی به این شهر استقبال نمودند. داکتر عبدالله در این گردهمایی به مردم وعده داد درصورتی که در انتخابات بیست ونهم ماه اسد برنده شود، تغیرات بنیادی و اساسی در کشور به وجود خواهد آورد.

داکتر عبدالله خطاب به تمامی ملت افغانستان گفت: تغیرنظام سیاسی از ریاستی به پارلمانی، ایجاد زمینه های اشتغال، رشد اقتصادی و توجه جدی به احیای مجدد بخش کشاورزی در کشور از اولویت های کاری وی خواهد بود.

داکترعبدالله همچنان به مردم وعده داد که حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی، و وحدت ملی را در کشور تامین خواهد نمود.

عبدالله درحالی سخنانش را خطاب به مردم بیان می داشت که تدابیر شدید امنیتی اتخاذ پسران و دختران جوان با کلاه و چادرهای مخصوصی، از وی استقبال نمودند

شهروندان بلخ با چنان شور وهیجان از داکترعبدالله استقبال کردند که در تاریخ مبارزات انتخاباتی ۴۱ کاندید ریاست جمهوری نظیری نداشت.

مردم قندهار از داکترعبدالله حمایت می کنند

داکتر عبدالله در ادامهٔ پیکارهای انتخاباتی اش، روز چهارشنبه هفته گذشته به ولایت قندهار سفر کرد و ازسوی هزاران تن از باشندگان ولسوالی ها و اقوام مختلف ولایت های قندهار، زابل، هلمند و ارزگان طی یک گردهمایی باشکوه در شهر قندهار استقبال شد.

در این محفل باشکوه ، علما، اعضای احزاب سیاسی و شوراهای اجتماعی، نمایندگان ولسی جرگه، کاندیدان شورای ولایتی، زنان، جوانان و ورزشکاران اشتراک کرده بودند.

جنرال عبدالخالق به نمایندگی از شهریان قندهار و مسوول دفتر کمپاین داکترعبدالله، با بیان برنامه های داکتر عبدالله، مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کرد.

نور الحق علومی نماینده مردم قندهار در ولسی جرگه، درباره انتخابات صحبت نموده، از حکومت هفت ساله کرزی که نتوانسته پاسخگوی نیازهای مردم افغانستان باشد، انتقاد کرد.

در ادامه محفل داکتر عبدالله با ابراز تشکر و سپاس گزاری از مردم ولایات قندهار، زابل، هلمند و ارزگان که در محفل اشتراک کرده بودند، گفت: "در برنامه های کاری خود به ولایت های جنوب اولویت خواهم داد و مشکلات آنان را در صدر برنامه های کاری خود قرار داده، با نا امنی، فساد اداری، فقر و بیکاری، کشت و قاچاق مواد مخدر مبارزه خواهم کرد.

داکتر عبدالله همچنان گفت که تلاش وی این است تا با تقویت نیرو های امنیتی و نظامی ملی، زمینه را مساعد سازد تا دیگر نیازی به حضور نیرو های خارجی در کشور نباشد.

وی ادامه داد: " دیگر اجازه نخواهیم داد که فرزندان افغانستان به ناحق زندانی شوند یا در عملیات های نظامی جان های شان را ازدست بدهند".

داکتر عبدالله افزود: به یکی از فرزندان خود اعتماد کرده، به او فرصت دهید تا قدرت را به خودتان بازگرداند.

حمایت حزب رستاخیز مردم افغانستان از داکتر عبدالله

حزب رستاخیز مردم افغانستان روز گذشته در یک محفل با شکوهی حمایت بی دریغ شان را از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله اعلام داشتند.

هوتل صدیقیار در شهر مزار شریف که میزبان این محفل بود، شاهد اشتراک بیش از ۵۰۰ نفر از حامیان اعم از بانوان و آقایان (فرهنگیان، دانشمندان، رحانیون، علما، دانشجویان و ...) بود.

عبدالقادر کارگر، رییس شورای مرکزی حزب رستاخیز مردم افغانستان در این جمع ابراز داشت: حزب رستاخیز مردم افغانستان با داشتن ۳۲ هزار عضو در ۱۴ ولایت کشور، پس از بحث و بررسی در عرصه کاندیداهای سال روان انتخابات، کسی را بهتر و برتر از شخصیت عالی داکتر عبدالله عبدالله پیدا نکرده بناءً همه با هم دست به دست هم داده و از کاندیداتوری جناب داکتر عبدالله عبدالله حمایت می کنیم.

سید بکتاش قاعد ام البلادی مسئول جوانان حزب رستاخیز داکتر حبیب الله کوهمندکه به نمایندگی ازستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله حنیفه خوشدل منشی شورای زنان حزب سخنرانی کردند و حمایت خویش را داکتر عبدالله اعلام داشتند.

داکتر عبدالله در جمع مردم استالف کابل

گردهمایی بزرگی روز یکشنبه ۱۸ اسد، در مرکز ولسوالی استالف ولایت کابل به حمایت از داکتر عبدالله برگزار گردید. این همایش مردمی با حضور هزاران تن ازمردم استالف در حمایت از نامزدی داکتر عبدالله برگزار شده بود.

داکتر عبدالله نامزد مورد حمایت جبهه ملی، با حضور در این همایش، مشکلات مردم را به بررسی گرفت و به آنان وعده داد که پس از پیروزی به این مشکلات رسیده گی خواهد کرد. آقای عبدالله تصریح نمود که حکومت و نظام مسوول می تواند پاسخگوی نیاز ها و مشکلات مردم باشد.

در این گردهمایی ، شماری از بزرگان منطقه ضمن حمایت از داکتر عبدالله، در سخنانی مشکلات این ولسوالی را مطرح ساختند. نبود آب آشامیدنی ، برق و سرک از جمله مسایلی بود که در این گردهمایی مطرح شد.

حمایت از داکتر عبدالله در ولسوالی دهدادی ولایت بلخ

گردهمایی با شکوهی به منظور حمایت از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله از سوی اهالی شرافتمند ولسوالی دهدادی و همچنان احزاب سیاسی اعتدال افغانستان، حرکت اسلامی، اقتدار ملی و جمعیت اسلامی امروز دوشنبه ۱۹ اسد سال روان برگزار گردید.

در این محفل که سخنرانان در رابطه به شخصیت داکتر عبدالله عبدالله صحبت نمودند.

غلام علی رضایی مسئول حزب اعتدال افغانستان با خواندن وضعیت موجود به یک وضعیت غیر مطلوب ابراز داشت، دولت فعلی ناتوانی های زیادی دارد که از جمله می توان به نا امنی و بی عدالتی اشاره نمود.

آقای رضایی حمایت خود و طرفداران حزبش را از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله اعلام نموده گفت: همه مرم افغانستان همراه با شعار جناب داکتر عبدالله عبدالله، امید وار و منتظر تغییر بنیادی در سطوح دولتی و حکومتی هستند.

آقای موسوی نژاد رییس شورای تصمیم گیری شمال حزب حرکت اسلامی که به نمایندگی از طرفداران این حزب و شورای این حزب صحبت می نمود ابراز داشت که بیشتر از ۲۵ سال است که داکتر عبدالله عبدالله را می شناسیم اوشخصی است که ما به او اعتماد داریم.

لمی یونسی رئیس ستاد انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله در شمال کشور با سپاس و تشکر از تجمع مردم در این محفل و حمایت و پشتیبانی شان از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله با انتقاد به دولت کرزی گفت: طی ۵ سال گذشته میلیاردها دالر به کشور کمک شده اما متاسفانه هیچ تغییر در سیمای مملکت بوجود نیامده است.

ولایت ننگرهار در کابل به استقبال عبدالله

روز یکشنبه ۱۸ اسد، شاهراه جلال آباد – کابل میزبان راهپیمایی کاروان عظیم مردمی در حمایت از نامزدی داکتر عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری بود. بیش از هزار نفر از باشندگان مناطق مختلف شهر جلال آباد با راه انداختن کاروان بزرگ مردمی جاده جلال آباد را تا کابل در طول روز پیمودند. صدها موتر با پوسترهای تبلیغاتی داکتر عبدالله پوشانده شده بود.

حاج شیر احمد خان؛ سرپرست این کاروان مردمی در مورد هدف این راهپیمایی گفت: این حرکت به منظور حمایت از برنامه ها و طرح های داکتر عبدالله به راه انداخته شده است. وی گفت: ما با این حرکت مردمی می خواهیم به مردم افغانستان و جامعه بین المللی نشان دهیم که داکتر عبدالله در بین ما از احترام خاص بر خور دار است. شیر احمد خان که رهبری این کاروان هزار نفری را به عهده دارد گفت: داکتر عبدالله چهره شاخص جهادی است و برای برون رفت از معضلات کنونی برنامه های منطقی و معقول دارد.

این راهپیمایی مردمی در تاریخ انتخابات افغانستان بینظیر خوانده شده است و این کاروان با عبور از شهر کابل – پروان – چاریکار به شهر جلال آباد توقف می کند. لازم به یاد آوری است که این کاروان موتر ها در مقابل ستاد مرکزی انتخاباتی داکتر عبدالله در کابل اجتماع نمودند و داکتر عبدالله به رسم احترام و سپاسگزاری با پای پیاده در میان جمعیت و قطار موتر ها حضور یافته به شور و احساسات هوادارانش پاسخ داد.

گروه سیاسی _ پارلمانی راه نو به داکتر عبدالله پیوست

روز یکشنبهٔ گذشته ۱۸ اسد، گروه پارلمانی راه نو که متشکل از شخصیت های سیاسی و فرهنگی می باشند، در یک نشست خبری حمایت شان را از نامزدی داکتر عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری اعلام داشتند.

سرور جوادی؛ یکی از اعضای این گروه سیاسی گفت : ما با شناختی که از اوضاع جاری کشور داریم وضعیت را بررسی نموده و شرایط نامزدان ریاست جمهوری را مورد بحث و بررسی قرار دادیم و با آگاهی لازم داکترعبدالله را برای اداره نظام آینده کشور گزینش نمودیم.

در این گروه سیاسی ۱۲ تن از نمایندگان پارلمان حضور دارند و شماری از چهره های سیاسی از خارج پارلمان نیز عضو گروه سیاسی راه نو می باشند.

دانگلستان د لوي درستيز څرگندونی څه معنا لری؟

شفیق



د انگلستان نوي لوي درستيز چې د اسد مياشتې په اته ويشتمه نيټه به خپله دنده اشغال کړي- پداسې حال کې په افغانستان کې د انگليسي ځواکونو د مودې ترڅلويښتو کلونو پورې داوږ ديدوخبره کوي چې د کانادا د بهرنيو چارو وزير لورنس کنون به ۲۰۱۱ ميلادي کال له افغانستان څخه د خپلو کانادايي ځواکونو د وتلو پخلي کوي. اونومړي د شمالي اتلانتيک (ناتو) د تړون د نوي رئيس "اندرس فوگ راسمون" لخوا د کانادايي پوځونو دوه کلونه وروسته په وتلو باندې د افسوس په خواب کې زياتوي چې زمونږ هيواد په (۲۰۰۸) ميلادی کال کې د پارلمان په هغه پريکړ تينگ ولاړ دي چې له مخې به يې کانادايي پوځونه په ۲۰۱۱ ميلادي کال کې له افغانستان څخه وځي.

دلويديځو هيوادونو څخه د دغو دوه ؤ هيوادونو جلاجلا دريځو که له يوې خوا دهغوې داخلي مساله او خپل حق دي خو له بلې خوا د يو هيواد مسوول مقام ته هيڅکله داسې څرگندوني ندي پکار چې ترمخه يې د بل هيواد سياسي آزادي او خپلواکي له سوال لاندې راځي، څکه دغه ډول څرگندوني د افغانستان د وقار، سياسي استقلال او خپلواکی خلاف خبره ده، داسې څرگندوني هغه مهال د دغه هيواد حق جوړيږي چې د انگلستان او افغانستان د چارواکو ترمينځه دکوم توافق په نتيجه کې مخې ته راشي.

افغانان دامنې چې زمونږ هيواد ته نړيوال ځواکونه که هر نيت په بنياد د "حشر" په توکه راغلي خو په ظاهره د بن د عجولانه پريکړو او يو نړيوال تړون تر پردې لاندې او دامنيت شورا دمشتې اشرې يې اجازې له مخې راغلي دي. له بده مرغه چې افغانستان هغه مهال کوم جوړدولت نه درلوده د بن د پريکړو په نتيجه کې د راغلي دولت هم د نړيوالو د احسان له جغ لاندې دومره ملاتيته شوې وه چې په هره غتيه او وړه کې ورسره پر نړيوالې ټولنې له دانده باورپر

همدارنگه پدې موده کې د هيواد د بهرنيو او کورنيوچارو وزارتونو نړيوالې ټولنې او ناټو ته دومره واک او صلاحيتونو ورکړي چې هغه د چ خبره خپله تونه ږيره يې په لاس کې ورکړې نو ځکه زبندې اوس هغه کانه کيږي جې وايي په هر څه لوبې آخر په ږيره د بابا هم لوبې!!!

د ترهگری! په نوم روانه جگړه کې خوړند و بمبارېو او عام افغان وژنې د افغان دولت چارواکي او افغان ولس لاندنه په انديښنوکې اچولي دی. اوس لادا ډول څرگندوني اوهغه هم پدې حس اونزک وخت کې؟!!

دانگلستان نوي لوي درستيز "سرديويد ريچاردز" چې د زمري دمياشتې په اته ويشتمه خپله څوکی اشغالوي او په همدې نېټه په افغانستان کې تولتې کنې کيږي. فکر کوم چې ښايې نومړي داسې انگيرلې وي چې گوې دي دافغانستان د ولسمشرۍ په څوکې کښيني!! چې داسې بي مسوولیته څرگندونې کوي!

نړيوالې ټولنې او ناټو که افغانستان ته را دا نگلې دي نو دافغانانو د خواخوږۍ په نوم راغلي دي او افغانان يې د خپلې خاورې د هر اړخيزې آبادۍ او ترقي لپاره خپل خواخوږي گنې او له همدې امله يې دغه غوبل په خپله خاروه منلي دي او هره ورځ له افغان دولت څخه د دې انتظار سې چې د مينمنو د ميلمستيې شپې ننډې کړي او زمونږ په هيواد کې د ملي اردو او امنيتي ځواکونو په پياوړتيا او د کميت په بشپړيدو سره ددې ميلمنو په قدر سره خپلو هيوادونو ته له نړيوالې وروولي سره په گډتصميم شتونه اعلان کړي. خو د ريچاردز دغه څرگندونې په داگه کوي چې ميلانه گويا پاخه راغلي او يا ورته افغانستان خپله کومه کالونې يا بې وارثه خاوره ښکاري.

پداسې حال کې چې افغانستان يو خپلواک او آزاد هيواد دي، د ايساف او ناټو ځواکونه د يوم معلوم ماموريت لپاره د څوکلونو لپاره راغلي دي چې بايد د خپل ماموريت په دوران کې زمونږ اساسي قانون، ملي حاکميت، زمکنۍ تماميت او خپلواکۍ ته درښاوي ولري. او که چيرې په خپل ماموريت کې ستړې شوي وي نوبيا دې د کانادا په څير په څرده ووايي، مونږ له دې نورغمونه نه گوري، ځکه د نومړي د دغو څرگندونو سره سم په تخار او لغمان ولايتونو کې د خلکو لخوا د نومړي د څرگندونو پرخلاف لاريونو ته وتل چې کوم پيغام له ځان سره لري ښايي بريتانوي چارواکي د افغانستان تاريخ لوستني ته ړکړي. نو ځکه اړينه ده چې د ناټو قيادت بايد دداسې څرگندونو ارزونه وکړي او په مجموع کې ټول بهرنې ځواکونه خپلې مرستې افغانانو ته د خلاص او صداقت سره وړاندې کړي او داځکه چې پدې هيواد کې د ټولټکنو د نيتې درارسيدو سره سم خو لادمخه د دولت د مخالفينو عمليات پراخه او ډير شوي دي نو پداسې وخت کې دا ډول څرگندونې ښايي کومه بله معنا ولري چې د افغان ولس سره نوې انديښنې هم راولاړوي!

نگرشی بر شعار های و برنامه های انتخاباتی ...

رسانده و دست آورد قابل توجه اقتصادی داشته است ، در حالی که دولت افغانستان قادر به تامین بودجه عادی خویش نیست. چگونه می تواند بر ذخایر ارزی خویش بیفزاید؟ بودجه عادی افغانستان در سال ۱۳۸۷ یک میلیارد و۳۰۰ میلیون دالر بود که تنها ۶۷ درصد آن از عواید داخلی تامین گردید ومتباقی آن را جامعه جهانی تهیه کرده است،بقول آقای کرزی خارجیان پول نقد آوردند وبه دولت افغانستان تسلیم کردند. البته بودجه انکشافی کاملا از مساعدت های بین المللی تهیه می شود، پس آقای کرزی از کدام عواید خزانه دولت را پر کرده است؟ کرزی در همین بیانیه گفته بود" دولت ها آمدند وپول نقد با خود آوردند وبه مامورین دولت افغانستان معاش دادند" وقتی دولت افغانستان نتواند معاش مامورین خویش را بپردازد وآن را خارجیان بدهند، چگونه می تواند پول ذخیره کند؟

بنابراین ادعای افزایش ذخایر ارزی وتوسعه اقتصادی در افغانستان در نتیجه فعالیت های اقتصادی دولت آقای کرزی حرف بی بنیاد است.

همچنان آقای کرزی در سفر خویش به کیهان! ادعا کرد که ۵ هزار کیلومتر سرک را پخته کرده است. ساختن سرک ها نیز به هیچ وجه دست آورد حکومت آقای کرزی نیست، اگر بوش ویا بلیر در انگلیس ویا سوفو کودا در جاپان ، در مبارزات انتخاباتی کشورهای خویش ادعا می کردند که چند هزار یا چند صد کیلومتر سرک را در افغانستان ساخته اند، طبیعی به نظر می رسید، اما ادعای چنین دست آوردی به حکومت آقای کرزی نمی چسپد، چون این سرک ها با سرمایه های کشورهای خارجی وبا پلان ومدیریت وتصمیم آن ها ساخته شده وحکومت آقای کرزی در ان نقشی نداشته است، حکومت آقای کرزی همیشه در گذشته داد وفریاد سر داده است که خارجیان در اجرای برنامه های انکشافی از جمله ساختن سرک ها با حکومت افغانستان مشوره نمی کنند و حتی به این حکومت گزارش نمی دهند.

خارجیان به منظور توجیه حضور خویش در افغانستان، ناگزیر بودند این کمترین کار یعنی ساختن چند سرک را انجام می دادند، بودن یا نبودن آقای کرزی در این تصمیم خارجیان نقشی ندارد، اگر در آینده نیز آقای کرزی هم نباشد، چنین طرح ها ادامه خواهد داشت. بنابر این ادعای ساختن سرک ودیگر طرح های عمرانی در کشور از سوی آقای کرزی به دوش گرفتن کارهای نا کرده و ادعای بی اساس است.

البته زمانی که مسؤلیت ساختن سرکها واختلاس وحیف ومیل های که صورت گرفته، مطرح شود وطبیعتا دولت افغانستان به عنوان یکی از متهمان نام برده می شود، آقای کرزی با تردستی که دارد، این مسؤلیت را نمی پذیرد ومی گوید، خارجیان تنها ۶ میلیارد دالر برای ما داده اند و۳۶ میلیارد دیگر را خودشان مصرف کردند وبه ما گزارش هم ندادند، چنانچه در پاسخ به تصمیم اداره امریکا مبنی بر تحقیقات در مورد پول های حیف ومیل شده در افغانستان چنین اظهاراتی داشتند.

این سیاست دو پهلوی حکومت، آدم را با یاد داستان شتر مرغ می اندازد، این مرغ چنانکه از نامش پیداست هم به شتر می ماند وهم به پرنده، او از این دو گانگی خویش سود می برد واز گرفتن مسئولیت شانه خالی می کند، اما هیچ کس به بهانه های وی باور ندارند، وقتی بخواهند بر پشت شتر مرغ بار بنهند می گوید من پرنده هستم، وقتی بگویند پرواز کن می گوید من شترم. حکومت آقای کرزی هم وقتی بگویند دست آوردی اقتصادی نداری، می گوید ۳۶۰۰ میلیون در خزانه افغانستان وجود دارد، اما زمانی که بگویند چرا طرح های کلان زیر ساختی مانند احداث بندها را در پلان نداردمی گوید،

خارجیان به ما پول نقد نمی دهند وخودشان مصرف می کنند.

اما بهانه ها و دلایل شتر مرغی دیگر برای مردم قابل قبول نیست.

برخی چشمدید های در مورد ....

طوریکه دیده می شود، محبوبیت حامد کرزی همه روزه کاهش می یابد ودکتور عبدالله عبدالله هر روز سنگرهای جدیدی را فتح می نماید.

امروز دراکثر ولایات افغانستان، تیم مبارزاتی آقای کرزی عده یی را با دادن پول وامید های کلان ووعده های سرخرمن فریب داده وتعدادی ازانسان های پول دوست وقدرت پسند، به امید دستیابی به پول حکومت از دولت حمایت کردند.

کسانی که ازاین حاکمیت حمایت می نمایند، نمی توانند، دلایل دفاع خود را برای مردم ابرازدارند،

درصف حمایتگران آقای کرزی، والی ها، قوماندان ارشد کارمندان عالی رتبه، اعضای کابینه، قاچاق بران مواد مخدر وذزدهای سرمایه های ملی واعضای استخبارات دولت قرار دارد واین طیف ازمردم، می خواهند شرایط موجود را حفظ کنند وسرمایه های بزرگ دیگر را برای خود، جستجونمایند، این ها فقط برای مردم باد کشت می کنند وبرای خود سیم وزر.

این جانب به چشم سر دیده ام که درولایات بدخشان وتخار به رنگ نمونه، به وسیله موتر دولتی وبلند گوهای دولتی مردم ازقراء وقصبات فراخوانده می شوند، تا برای رسانه های دولتی وغیر دولتی خبرسازباشند وازاین طریق افکارعامه را تخدیرنمایند.

امروز درولایات کشور ازسوی والیان وکارمندان ارشد دولتی، مردم تشویق می شوند تا به حاکمیت کرزی به پا خیزند. فقط انگیزهای مادی وقدرت دولتی برخی را وا داشته است، تا در رکاب این حاکمیت گام بردارند وآینده نیز ازاین خوان یغما بی نصیب نمانند.

به گفته بسیاری ازجوانان ومردم عادی کشور، کسانی که ازحاکمیت موجود، می خواهند حمایت کنند، فقط می خواهند ازسرمایه های بزرگ خویش که در ظرف این سال های حاکمیت که بدست آورده اند، حراست کنند، ورنه درموجودیت یک حاکمیت دلسوز، مهربان کارا ومردم سالار، سرنوشت این همه دارایی های باد آورده به خطر مواجه خواهد گردید ویا جنوتراکم آن دردستان یک اقلیت محدود گرفته خواهدشد.

درحالیکه مردم نه تنها درشهرهای بزرگ، بلکه درولایات کشور ازعملکرد، پولیس ومحاکم به ستوه آمده اند، یک قضیه جرمی درمحاکم افغانستان بیشتر ازپنج ویا شش سال دوران می نماید، تا این که طرفین دعوا خسته می شوند ومردم سرگردانی خود را بسته به تقدیر می دانند وبس.

روشنفکران، معلمان، کارمندان دولت ا قشار تهی دست، جوانان بیکار، چشم به تغییر دوخته اند شعار تغییر دکتور عبدالله عبدالله طیف وسیعی ازمردم را به سوی خود کشانیده است.

در برخی از ولایات کشور تعدادی ازدانشجوین دانشگاه ها در ایام رخصتی تابستانی بدون دغدغه قدرت، پول وسرمایه وقت خویش را درکار مبارزات انتخاباتی عبدالله عبدالله سپری می کنند، تا برای مردم افغانستان آگاهی دهند، آنچه دراین اوضاع واحوال کشور، مهم پنداشته می شود، آگاهی دادن مردم است، این تیم انتخاباتی آقای کرزی نیست که گپ وسخن برای گفتن دارد، بلکه لایه های مختلف جامعه، جوانان پیران دانشمند کشور، نیز سخنان بایسته، شایسته، نسبت به ارگ نشین ها درسردارند وبه سرنوشت این کشورصادقانه می اندیشند.

وزیرستان از معاهدهٔ دیورند تا امروز



وحید مژده

از سقوط طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ نام وزیرستان بعنوان یکی ازمراکز مهم خشونت و نامنی بر سر زبانها بوده است. این منطقه که از دو قسمت شمالی و جنوبی تشکیل شده بر اساس معاهدهٔ دیورند میان امیر عبدالرحمن خان و انگلیس ها در سال ۱۸۹۳ از افغانستان جدا و به حکومت هند بریتانوی واگذار گردید.

این واگذاری که عبدالرحمن خان پادشاه مستبد افغانستان آنرا (عاق کردن قبایل حرف ناشنو وزیری و مسعود) خوانده بود هرگز موجب جدائی این منطقه از سیر تحولات در افغانستان نشد.

در این منطقه دو قبیلهٔ مهم بنام های وزیر و محسود زندگی می کنند که در طول تاریخ برای حکام ظالم داخلی و استعمارگران انگلیسی مایهٔ دردسر بوده اند. وقتی معاهدهٔ دیورند میان عبدالرحمن خان و انگلیس ها به امضاء رسید، مردم وزیرستان آنرا نپذیرفته و علیه استعمار بریتانیا دست به قیام زدند. ملا پیونده رهبر روحانی آنان طی نامه ای توسط خلیفه نورمحمد واقعه نگار دولت افغانستان در پکتیا به عبدالرحمن خان فرستاد. وی در این نامه نوشته بود که قوم محسود (مرحوم غبار در کتاب خویش افغانستان در مسیر تاریخ نام این قوم را مسعود نوشته است و در لهجهٔ محلی وزیرستان مسید تلفظ می شود) ودیگر اقوام وزیرستان تحت امر من در آمده اند و بر ده خانوار یک مرد مسلح گذاشته امر (به) مواجب دادن کرده ام. و چون مطیع فرنگ نیستم، آرزومندم که محض رضای خدا و پیغمبر با من مشورتی کنید که از شر کافر خلاص شویم زیرا اختیار در دست شماست و اگر امیر صاحب والا مناقب مارا به نزد خود بخواهند، و یا بر ما سفارش کار کنند، حکمش بالراس والعین قبول است بشرط آنکه از زیر حکم انگلیس خلاص شویم.

امیر با خط خود در جواب او نوشت: ملا پیونده در حفظ الهی باشید. خطی که برای خلیفه نورمحمد خان ارسال کرده بودید و او آنرا نزد من روان کرده از همه احوال خود که نوشته بودید دانستم. و حالا برای شما می نویسم که در پانزده سال هرچه سعی کردم و کوشیدم که مردم وزیری و مسعودی احکام خدا و رسول را قبول کنند از غرض جوئی ملایان و ملکان که مردم را فریب و بازی دادند، گفتار مرا گوش نداده امور دین و دنیای ایشان را خراب کردند(!) اکنون جای آن نمانده است که شما باز خط به آدم من بنویسید. خود شما سررشته امر خود را میدانید، جای پرسیدن شما از ما نمانده است. هرچه خیر خود را می دانید خود بکنید. اگر سخن گفتن است در همان پانزده سال پیش گفته شد حالا سخن گفتن فضولی است. خود می دانید وکار خود. خدا خیر برای شما پیش آرد.

ملا پیونده بار دیگر مکتوب به خلیفه نورمحمد فرستاد ونوشت: هفت هزار نفر از هفتاد هزار خانوار که هر ده خانوار یک نفر نوکر گرفته اند با هم متفق و همداستان گردیده و به قرآن مجید تجدید عهد نموده اند که اگر همهٔ مارا حضرت والا بخواهد، حاضر کابل می شویم و الا روبه غزا می نهیم.

این مکتوب ملا پیونده بی جواب ماند مردم در اکثر مناطق قبایلی علیه انگلیس ها قیام کردند. ملاپیونده با دو هزار مرد جنگی به کابل آمد و با عبدالرحمن خان دیدار نمود. مردم وزیر ومحسود حاضر شدند تا به افغانستان مهاجرت نمایند. در سراج التواریخ از موافقت امیر عبدالرحمن خان با هجرت این مردم به افغانستان و توزیع زمین های دولتی به آنها تذکر رفته اما به نظر می رسد که رویهٔ سرد امیر و درباریان که مخالف با قیام علیه انگلیس بودند مجاهدین را از دولت افغانستان دلسرد ساخت و آنان به وزیرستان برگشتند و به جنگ علیه انگلیس ها ادامه دادند.

ملا پیونده سالها تحت تعقیب نیروهای انگلیسی بود و برای دستگیری و یا کشتن وی انگلیس ها حاضر به دادن جایزه بودند. این مرد مجاهد در نخستین سال جنگ اول جهانی (۱۹۱۴) وفات یافت و بعد از وی پسرش ملا فضل الدین جانشین او شد و به مبارزه علیه استعمار انگلیس ادامه داد.

در جنگ استقلال افغانستان (۱۹۱۹) مردم محسود و وزیر علیه انگلیس ها به نبردی آغاز کردند که بقول مرحوم میرغلام محمد غبار، این منطقه را به مجمر آتشی زیر پای نیروهای استعمارگر مبدل کردند. مخابرات دشمن با مرکز (بنو) قطع و تمام ارتباطات دشمن میان استحکامات و مراکز نظامی از بین برده شد. چهارپایان دشمن که به مقاصد آذوقه رسانی از آن استفاده می شد تاراج شد. قیام وزیرستان از جمله عواملی بود که انگلیس ها را مجبور ساخت تا استقلال افغانستان را برسمیت بشناسند.

مردم وزیرستان در حالیکه دشمن را شکست داده و درصدد پیشرفت به استقامت شرق بودند، از کابل امر متارکه با انگلیس ها را دریافت کردند و دستور یافتند تا مناطقی را که فتح کرده اند ترک کنند. بدستور کابل آنها قلعهٔ وانه را نیز تخلیه کردند. دشمن مغلوب با این کار دلیر شد و از تخلیهٔ دکه در درهٔ خیبر سرباز زد. مردم وزیرستان بار دیگر قیام کرده و وانه را تسخیر کردند و شرط ترک این قلعه را تخلیهٔ دکه از قوای انگلیس قراردادند. انگلیس ها مجبور شدند تا دکه را به نیرو های افغانی بسپارند.

بعد از جنگ استقلال و آزادی افغانستان از استعمار انگلیس، مبارزات ضد استعماری در سرحدات آزاد ادامه داشت و وزیرستان همیشه مرکز این مبارزات آزادیخواهانه بود. کوههای دشوارگذار و قبایل جنگجوی این خطه همیشه مانع بزرگی بر سرراه استعمار بودند. در سال ۱۹۳۷ میرزا علیخان مشهور به فقیر ایپی در مبارزه علیه استعمار انگلیس رهبری مجاهدین را بعهده گرفت. او با دولت ظاهرشاه روابط حسنه داشت.

در سال ۱۹۳۸ شخصی بنام سید سعدالگیلانی مشهور به پیرشامی از سوریه بصورت مخفیانه خود را به وزیرستان رسانید. او مردم را بسوی دو هدف فرا خواند: اول بازگشت شاه امان الله به سلطنت افغانستان و دوم جهاد علیه اتحاد شوروی و آزادی آسیای میانه.

پیرشامی در اعلامیه ای که از کانیکورم مرکز وزیرستان در سال ۱۹۳۸ منتشر ساخت گفت که ظاهر شاه غاصب تاج وتخت افغانستان است و ما امان الله خان را مجددا به تخت افغانستان خواهیم نشاند.

پیرشامی با لشکری از قبایل محسود و وزیر بسوی سرحدات افغانستان پیشروی کرد. در اینجا انگلیس ها و روسها هردو از وضع احساس خطر کردند. جنگ با قوای دولت افغانستان و انگلیس برای یک قوهٔ کوچک که فقط با تفنگ مسلح بودند، مشکل بود. طیارات انگلیسی مواضع جنگجویان وزیر [illegible] و محسود را بشدت درهم کوبید از جانب [illegible] میرزا علی خان با این قوا همکاری [illegible] د و به این ترتیب یکبار دیگر انگلیس [illegible] لت افغانستان به درهم شکستن [illegible] وفق شدند. گفته می شود که پیرشامی [illegible] لیس ها مجبور به خروج از این منطقه کرد [illegible]

این نخستین باری بود که یک شخص عرب تبار به منطقهٔ وزیرستان آمد و از حمایت مردم برخوردار شد. بنابراین حمایت از عربها در میان مردم وزیرستان بی سابقه در تاریخ این منطقه نیست. مردم وزیری و محسود که امان الله خان را مردی غازی و دشمن انگلیس می دانستند به حمایت از ملاشامی کمر بستند وشاید اگر متحدین در جنگ جهانی دوم پیروز می شدند این کار عملی می شد اما با شکست آلمان نازی این امکان از میان رفت.

پس از این ماجرا ایپی فقیر به مبارزه علیه انگلیس ها در وزیرستان ادامه داد. در سال ۱۹۴۷ که نیم قارهٔ هند تقسیم شد و کشور پاکستان بمیان آمد، میرزاعلی خان (ایپی فقیر) با حمایت دولت افغانستان علم مخالفت علیه پاکستان برافراشت و دولت جدیدی بنام پشتونستان را اعلام نمود. او در سال ۱۹۵۲ چشم از جهان فروبست.

مردم وزیرستان با سپری نمودن بیش از یک قرن در آنسوی دیورند هیچگاه خود را از افغاستان جدا ندانسته اند. آنها در جهاد افغانستان علیه تجاوز اتحاد شوروی سهم فعال گرفتند. فیض محمد یکی از وزرای داخلهٔ دولت داود خان که وابسته به جناح خلق و از قبیلهٔ وزیر بود، پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ به وزیرستان فرستاده شد تا مردم این منطقه را به حمایت از رژیم کمونیست و مخالفت با مجاهدین وادارد اما وی توسط مجاهدی از حزب اسلامی بنام جمیل خان به قتل رسید بدون اینکه مطابق به رسوم قبایلی کسی به خونخواهی از وی برخاسته باشد.

در اواخر سال ۲۰۰۱ که دولت طالبان توسط نیروهای امریکائی سرنگون شد، بسیاری از رهبران طالبان ونیز جنگجویان خارجی هم پیمان با طالبان به وزیرستان پناه بردند. طاهر یولداش مشهور به قاری طاهر جان از مخالفین دولت ازبکستان همراه با صدها خانواده از هواداران خود به وزیرستان شمالی رفت. ابومحمد ترکستانی که علیه دولت چنین در سین کیانگ می جنگید و همچنان جنگجویانی از سایر جمهوری های آسیای میانه و ققفاز و نیز افرادی از سراسر دنیای عرب به این منطقه کوچ کردند و وزیرستان مبدل به مرکزی علیه دولت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در این کشور شد.

طالبان در وزیرستان بعد از این تحول قدرت گرفتند. عنعنات قبیله که دفاع از پناهنده را وجیبهٔ هریک از اعضای فبیله قرار می دهد با باور های دینی تقویت شد و طالبان نیز با بهره گیری از این حالت به تحکیم موضع خویش در برابر سران سنتی قبایل پرداختند. نیک محمد و بعد از وی عبدالله محسود رهبری طالبان این منطقه را بعهده گرفتند. عبدالله محسود که یکی از زندانیان آزاد شده از گوانتانامو بود، توانست پل ارتباطی م[illegible]ان القاعده و طالبان در پاکستان ایجاد نماید و بعد از کشته شدن وی قدرت به بیت الله محسود رسید. او رابطهٔ نزدیکی با القاعده برقرار کرد و در وقایع خونین در پاکستان ا[illegible] ملـه کشته شدن بی نظیر بوتو و انفجار هوتل ماریوت در اسلام آباد در قطار متهمین درجه اول قرار داشت.

بیت الله محسود در ۵ اگست در اثر حملهٔ یک طیارهٔ بدون سرنشین امریکائی در وزیرستان کشته شد. هرچند امریکائی ها و پاکستانی ها قتل وی را یک پیروزی بشمار می آورند اما سیر تحولات شاهد این حقیقت است که جانشینان رهبران کشته شده تندرو تر از رهبران سلف بوده اند.

خیلی ها از خود می پرسند که چرا امروز دولت پاکستان با قوهٔ نظامی مشکل وزیرستان را حل نمی کند بدون اینکه به این مسئلهٔ مهم توجه نمایند که چرا انگلیس ها از سال ۱۸۹۴ تا آزادی هند در سال ۱۹۴۷ در مدت بیش از نیم قرن موفق نشدند تا حرکت های ضد استعماری را که مرکز آن وزیرستان بود، از میان ببرند.

تا آنجا که مسئله به وزیرستان برمی گردد، این منطقه مانند گذشته بعنوان یکی از کانون های بحران در تحولات افغانستان و پاکستان باقی خواهد ماند و در شرایط فعلی هیچ راه حل نظامی موثری برای رفع خشونت ها در این منطقه به نظر نمی رسد.

دو روز پی در پی ...

مانند ۸ ثور تجلیلی رسمی به عمل نخواهد آمد؟ولی به همه حال و با تفاوت زمانی ۹۰ نود سال، این دو روز پی درپی (۲۸ اسد ۲۹ اسد) درتاریخ آیندهٔ کشور ما یاد گار و ماندگار خواهد ماند.

۲۸ اسد روزی است که مردم ما پیروزی نیاکان شان یعنی جنگ استقلال را جنش می گیرند و۲۹ اسد روزی است که مردم ما به پای صندوق های رأی می روند و به کاندیدای مورد نظر خویش برای ریاست جمهوری و همچنین شورا های ولایتی رأی می دهند!

ما امید اریم و باورکامل داریم که مردم هوشیار و بیدار ما با در نظرداشت سختی ها و ناملایمات هشت سال گذشته به تغییر رأی می دهند و به داکترعبدالله عبدالله که علمبردار این تغییرات است، رأی خواهند داد.

داکترعبدالله ازحمایت گستردهٔ مردمی خورداراست او نه تنها یک مسلمان، افغان و مجاهد شناخته شده است که شاید برخی ازکاندیداهای دیگر نیزباشند- بلکه درکنار محبوبیت ملی دارای توان اداره و رهبری کشورنیز هست.

او از میان مردم برخاسته، دردرد ها ورنج های مردم شریک بوده و درشرایط سخت و دشوار وآلام و مصیبت ها، درکنار مردم بوده و با درد و رنج آنان آشناست و ازخواست ه[illegible] آگاهی کامل دارد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ بیست و یکم ۲۴- اسد ۱۳۸۸ -۲۳ شعبان المعظم ۱۴۳۰ 15-Augest 2009

برخی چشم دید ها درمورد انتخابات

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

سوزوهیجانات انتخابات ریاست جمهوری واعضای شورای ولایتی نسبت به دور قبلی آن، در کشور کمرنگ می باشد.

دلیل عمده این ذوق زده گی را درمیان مردم، عدم وفاداری ارگ نشینان درظرف سال های حاکمیت شان می توان عنوان کرد.

با وجود برخی ازموانع ونا امیدی ها از گذشته، بسیاری ازشهرندان کشور، به ویژه نسل جوان قشرتحصیل کرده ودرس خوان کشور دریافته اند که دادن رأی یک امانت الهی است وباید این امانت را به اهلش تسلیم نمود.

براساس همین احساس، طوریکه دیده می شود، بسیاری ازاقوام افغانستان ازلاک وقشرقومی، زبانی وسمتی بیرون شده واصل شایستگی، فهم، درایت وجرئت سیاسی نامزدان را مورد تحلیل وارزیابی قراردهند.

با وجود آنکه هرازگاهی رفتن به سنگر قومی وزبانی ازسوی برخی ازنامزدان، اگر درظاهر وجود نداشته باشد، اما ازطرزخرام آنها فهمیده میشود.

با وجود آن، نامزدان مطرح پست ریاست جمهوری حتی می توانند، درولایات به پیکارهای مبارزاتی خود، بپردازند.

اگرآقای کرزی به رنگ نمونه درولایات کشور، به وسیله قوماندانان ، والی ها واعضای ارشد کارمندان دولتی، برای خود راه بازنموده است، برخلاف به همان پیمانه وبیشترازآن درکشور دکتورعبدالله عبدالله توانسته است، درولایات مختلف کشورقلب صدها هزاران انسان تشنه به عدالت وتغییر را تسخیرنماید.

این حرکت سراسری نه تنها برای دکتورعبدالله عبدالله یک پیروزی بزرگ محسوب می شود، بلکه یک چنین حرکت سیاسی، یک پیروزی بزرگ برای مردم افغانستان، جامعه جهانی ودرفرجام به نفع صلح وثبات ودموکراسی درکشورمی باشد.

این انتخابات نسبت به انتخابات نخستین درکشور، دارای ویژه گی های می باشدکه نباید ازکنارآن به راحتی گذشت.

آقای کرزی که تمام قدرت دولتی را دراختیاردارد، اراده زمین وهوا می خواهد این کشور را تسخیر کند وسائل های قدرت خود را تمدید نماید ودرجهان سوم برای خود ریکارد قدرت را بدست آورد.

طوریکه می بینم طبق تزاهر نهای آقای کرزی و تیم های در راس تخلفات انتخاباتی قرار دارد کریم خلیلی معاون دوم آقای کرزی به اتهام سوء استفاده ازقدرت دولتی درمبارزات انتخاباتی به ۷۵ هزار افغانی جریمه نقدی محکوم شده است.

ادامه درص۶

دو روز پی درپی ۲۸ اسد و۲۹ اسد

خپاند

دو روز پی درپی نام یک فلم مستند است که در دوران حاکمیت مجاهدین ساخته شده و از تلویزیون افغانستان درآن زمان بارها نمایش داده شد.

لوح فشرده یا سی دی های این فلم مستند تاریخی موجود است و بخشی های ازآن به روزهای ۷ و۸ ثور از بعضی ازرسانه های تصویری پخش می شود.

پی درپی بودن دوتاریخ و دو روز (۷ثور۱۳۵۷ و۸ثور ۱۳۷۱) عنوان جالب برای دو رویداد بزرگ و تاریخی درکشورما است که به فاصله چهارده سال اتفاق افتاده است و فقط یک بخش آن پی درپی است یعنی روز۷ ثور وروز ۸ ثور وزمان آن چنانکه گفته شد چهارده سال تفاوت دارد!

اما هفت ثورتجلیلی به عمل نمی آید و دراین روز فقط نکوهش می شود ولی از۲۸ اسد همه ساله تجلیل و گرامی داشت به عمل می آید. گرچه معلوم نیست که آیا امسال بنا بردلایل امنیتی از این روزتاریخی

ادامه درص۷

